

تأملات اخلاقی - تربیتی پایداری خانواده مبتنی بر آیات و روایات متناظر

محمداسماعیل قاسمی طوسی*

محمد فاکر میبیدی**

چکیده

یکی از مقولات بنیادین در روزگار معاصر، چالش‌های پیش روی خانواده‌ها و چگونگی پیش‌گیری از فروپاشی نظام خانواده می‌باشد؛ بی‌شک قبل از ازدواج عواملی در تشکیل خانواده و بعد از ازدواج در پایداری و ثبات آن نقش دارد که بازشناسی و واکاوی آن با توجه به آموزه‌های دین اسلام و قرآن کریم، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، تلاش شده با بررسی آیات و روایات متناظر در کنار یکدیگر، مهم‌ترین راهکارهای تحکیم و پایداری خانواده، بازخوانی شده تا در نهایت حریم خانواده را از تزلزل و فروپاشی زودرس و روزافزون مصون نگه داریم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از نگاه قرآن کریم و روایات عواملی همچون «کفو و همتایی زوجین، صداقت و شفاف سازی قبل و بعد از ازدواج، دقت در انتخاب همسر، انتخاب رضایت محور و نظارت مدار، مهریه سبک و مشارکت پذیری زوجین» و البته گذشت متقابل از خطاهای طرفین می‌تواند جامعه را در عبور از بحران‌ها و پایداری نظام خانواده یاری رساند.

واژگان کلیدی

ازدواج، عوامل پیشگیری، پایداری خانواده، آیات قرآن، روایات.

m_ghasemi_80@yahoo.com

m_faker@miu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۰

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران.

**. استاد جامعه المصطفی العالمیه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۵

طرح مسئله

یکی از عوامل مؤثر و کارآمد در پیشگیری از اختلافات خانوادگی و نیز بهره‌مندی از یک زندگی موفق و پایدار، دقت در راهبردهای اخلاقی دین و اهتمام به عملی کردن آن در زندگی است. شناخت وظایف و حقوق متقابل اعضای خانواده بر اساس راهکارهای درون‌دینی، نه تنها مانع بسیاری از اختلافات می‌شود، زمینه را برای تعامل بیشتر در میان انسان‌ها فراهم می‌کند؛ هر چند مستلزم تحمل سختی باشد. در نگاه انسان مؤمن، اموری همچون از خودگذشتگی و ایثار، صبر بر بداخلاقی، گذشت از اشتباهات، تشکر از خوبی‌ها، سازگاری و مدارا، تلاش برای کسب روزی، قناعت، رضایت‌مداری، میانه‌روی در مصرف، بردباری در موقعیت‌های ناخوشایند و قدرشناسی در موقعیت‌های خوشایند، نه تنها در جهت کسب رضایت خداوند آسان است، این امور فلسفه زندگی در این دنیا به شمار می‌آیند. متون دینی، حاوی دستورالعمل‌های سلبی برای جلوگیری از ایجاد اختلال در خانواده و راهکارهای ایجابی برای تأمین پویایی، نشاط، طراوت و پایداری روابط خانوادگی است. به طور کلی، با توجه به خطاپذیر بودن گزاره‌های انسانی و از طرفی جامع، کامل و ناظر بودن آموزه‌ها و راهکارهای اخلاقی درون‌دینی، می‌توان گفت: بهترین راه برای کارآمدی نهاد خانواده، بازگشت به دستورات دین و احکام اخلاقی آن می‌باشد؛ از این‌رو در نوشتار پیش‌رو، سعی نگارندگان بر آن است تا با بررسی و تحلیل آیات قرآن کریم به صورت شبکه‌ای و به‌مدد روایاتی که در ضرورت تحکیم خانواده بیان شده است، به این پرسش پاسخ دهند که مهم‌ترین راهکارهای تحکیم و پایداری نظام خانواده چیست.

توضیح این نکته ضروری است که در بررسی راهکارهای اخلاقی تحکیم خانواده، نگارندگان در پی آنند تا با استفاده از تفسیر آیات متناظر در یک مسئله (پایداری خانواده) و بهره‌بردن از روایات مشابه و تکمیل‌کننده، نسخه‌های التیام‌بخش برای دردهای آزاردهنده روابط متزلزل خانوادگی را شناسایی کرده، آنها در معرض دید خانواده‌ها به‌ویژه زوج‌های جوان قرار دهند تا سفره آرام‌بخش خانواده همچنان باز و گسترده بماند.

البته عوامل گوناگونی می‌توانند در پایداری و استحکام خانواده نقش داشته باشند؛ اما از میان عوامل متنوع و متکثر، در این مقاله تنها موارد دارای تأثیر بیشتر ارزیابی خواهند شد.

تحلیل راهکارهای پایداری خانواده

الف) مطالعه و تحقیق در انتخاب همسر (تئوری چشم باز و عینک ذره‌بینی)

بی‌شک مطالعه و تأمل کافی برای شناخت زوجین، قبل از ازدواج، امری حیاتی و اساسی در استحکام

خانواده است؛ زیرا بررسی احراز یا عدم احراز صفات همسر شایسته، مستلزم تحقیق و دقت زیادی می‌باشد و ضرورت و اهمیت تحقیق و آموزش قبل از ازدواج نیز بر همگان آشکار است. دقت در انتخاب همسر تا آنجا مهم است که حتی فتاوایی در باب جواز نگاه به زن نامحرمی که قصد ازدواج با او وجود داشته باشد، صادر شده است؛ (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۴۵) زیرا گزینش همسر از جمله انتخاب‌هایی است که پیامدها یا ثمرات آن، تا پایان عمر همراه فرد خواهد بود؛ خاصه آنکه شدت میل جنسی در جوانان که برخی آن را نوعی جهش در تحول شمرده‌اند، (ماسن، ۱۳۶۸: ۵۳۳) می‌تواند موجب شود تا جوانان، انتخابی نامناسب داشته باشند و با فروکش شدن نیاز جنسی بعد از ازدواج، نارضایتی‌ها و زمینه‌های عدم تفاهم، خود را بروز دهند و فرد تا پایان عمر، به سبب انتخاب اشتباه خود تاوان دهد و آرامش زندگی از او سلب شود.

شهید مطهری در این باره می‌گوید:

مرد بنده شهوت است و زن اسیر محبت. آنچه مرد را می‌لغزاند و از پا در می‌آورد، شهوت است و زن به اعتراف روان‌شناسان، صبر و استقامتش در مقابل شهوت از مرد بیشتر است؛ اما آن چیزی که زن را از پا در می‌آورد و اسیر می‌کند، این است که نغمه محبت و صفا و وفا و عشق از دهان مردی بشنود. خوش‌باوری زن در همین جا است. زن مادامی که دوشیزه است و هنوز صابون مردان به جامه‌اش نخورده است، زمزمه‌های محبت مردان را به سهولت باور می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۹ / ۹۲)

بی‌شک دقت در انتخاب همسر تحت‌تأثیر نظام ارزشی یک جامعه است؛ (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۲۴۹) چراکه ممکن است هنجارهایی در یک جامعه ارزش تلقی شوند و در برخی جوامع دیگر ضدارزش به شمار آیند. ازدواج و معیارهای انتخاب از جمله مواردی است که در جوامع مختلف با نگاه‌های متفاوتی جریان دارد. در میان مقررات نورانی اسلام، تأسیس زندگی مشترک در قامت ترازویی ظاهر می‌شود که در یک کفه آن، سنت نبوی «ازدواج» و در کفه دیگر آن، ویژگی‌ها و شرایط آن قرار می‌گیرد که از جمله مهم‌ترین آنها «عفت و پاکدامنی» پیش از ازدواج است.

قرآن کریم نیز این مسئله را با دو عبارت: «مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء / ۲۵) و «مُحْصَنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (مائده / ۵) به‌نیکویی بیان فرموده و از مردان و زنان بالایمان خواسته است تا در انتخاب همسر از کسانی که قبل از ازدواج، روابط دوستانه و عاشقانه‌ای با جنس مخالف خود داشته‌اند، بر حذر باشند و در این باره، دقت لازم را در نظر داشته باشند. «آخدان» در این دو آیه، جمع «خدن»، در اصل به معنای مصاحب، دوست و رفیق است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۷۷)

ولی معمولاً به افرادی که با جنس مخالف خود، ارتباط پنهانی و نامشروع برقرار می‌سازند نیز گفته می‌شود:

در قرآن کریم، این واژه هم بر مرد و زن و هم بر فرد و اجتماع اطلاق شده است و اگر در مورد بحث به صیغه جمع آمده، برای این بود که در دلالت بر کثرت و زیادی تصریح داشته باشد، و بفهماند وقتی کسی به منظور فحشا و زنا کردن دوستی می‌گیرد، به او و به مثل او قناعت نمی‌کند؛ چون نفس آدمی حریص است، اگر قرار باشد خواست نفس را برآورد و آن را اطاعت کند، حتماً دوستان زیادی برای فحشا می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۴۴۳)

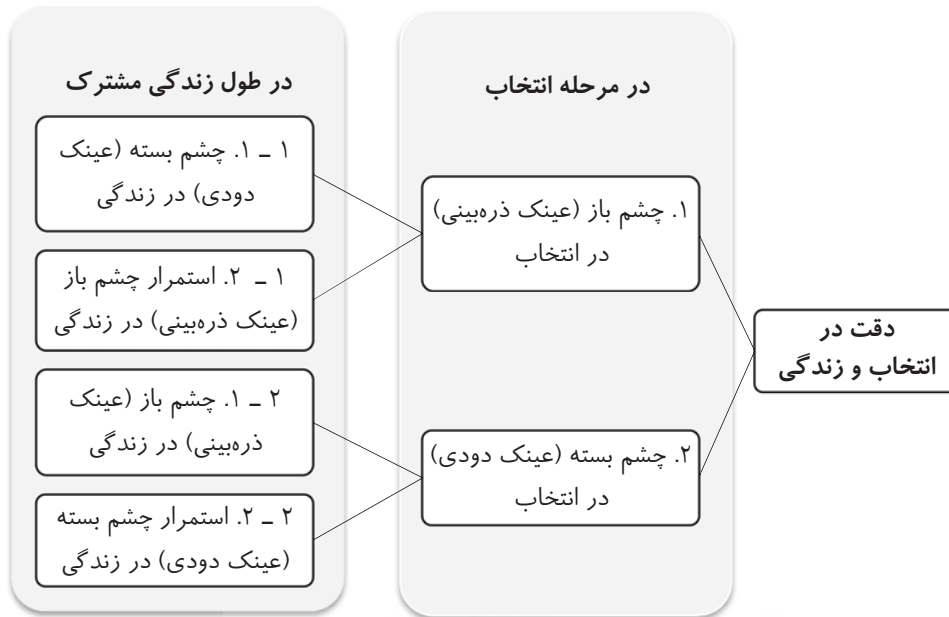
نکته حائز اهمیت اینکه خداوند - در آیات ۲۸ - ۲۶ سوره نساء - دلایل محدودیت چنین مقرراتی را بیان فرموده و بر این امر که انسان‌ها با رعایت قوانین الهی، به غرائز و خواسته‌های خود، پاسخی مشروع و قانونی بدهند، تأکید ورزیده است؛ چراکه آزادی‌های بی‌قیدوبند و توأم با آلودگی و انحطاط، سرابی بیش نیست و نتیجه آن، انحراف بزرگ از مسیر خوشبختی و تکامل انسانی و گرفتار شدن در بیراهه‌ها و پرتگاه‌ها و تنزل به مقام حیوانیت است و بنیان خانواده‌ها را سُست می‌کند و زمینه را برای بروز جنایات، ناهنجاری‌ها، انواع بیماری‌های جنسی و آمیزشی و ناراحتی‌های روانی در جامعه فراهم می‌آورد.

حاصل آنکه شناخت کافی و وافی قبل از ازدواج، امری مؤکد و ضروری است (تئوری چشم باز و عینک ذره‌بینی). این شناخت باید در دو جنبه صورت پذیرد: ۱. اطمینان از وجود صفات همسر شایسته در فرد مقابل؛ ۲. شناخت تفاوت‌های ساختاری و روان‌شناختی زن و مرد؛ اما آنگاه که ازدواج صورت گرفت، دیگر زوجین موظف به اغماض و چشم‌پوشی‌اند؛ چشم‌پوشی از نقص‌های احتمالی یکدیگر (تئوری چشم بسته یا عینک دودی). متأسفانه امروزه دیده می‌شود که جوانان، عاشقانه انتخاب می‌کنند و عاقلانه زندگی می‌کنند؛ حال آنکه باید عاقلانه انتخاب کرد (تئوری چشم باز و عینک ذره‌بینی) و عاشقانه زندگی کرد (تئوری چشم بسته یا عینک دودی).

چنین اشتباهی به افزایش تنش و ناسازگاری در خانواده می‌انجامد و گاه در ادامه مسیر زندگی، هر کدام از زوجین، جدایی و طلاق را عاقلانه‌ترین راه ممکن می‌دانند.

۱. چشم باز (عینک ذره‌بینی) در انتخاب و چشم بسته (عینک دودی) در زندگی مشترک

این نوع، حالت مطلوب است؛ چراکه اعتماد به انتخاب همسر و اعتقاد به هم‌دلی و هم‌زبانی و نیل به رضایت و آرامش را در پی دارد.



۲. چشم باز (عینک ذره‌بینی) در انتخاب و استمرار چشم باز (عینک ذره‌بینی) در زندگی مشترک
این حالت منجر به دو مورد زیر خواهد شد:

الف) وسواس و شکاکیت: روح ازدواج، اعتماد متقابل، متحد شدن و کسب آرامش است. حال اگر یکی از زوجین نخواهد یا نتواند به دیگری اعتماد کند، موجب افزایش سوءظن، پایش ذره‌بینی رفتار همسر و حاکمیت روح شکاکیت و وسواس نسبت به رفتار وی خواهد شد که حاکی از ناسازگاری و ساز جدایی است؛
ب) مقایسه مکرر همسر با سایر گزینه‌های محتمل پیش از ازدواج: استمرار چشم باز (عینک ذره‌بینی) پس از ازدواج، موجب تردید در صحت انتخاب و عدم استقرار زوجیت و نیز عدم تعلق خاطر به یکدیگر و در نتیجه عدم احساس رضایت از ازدواج خواهد شد.

۳. چشم بسته (عینک دودی) در مرحله انتخاب و چشم باز (عینک ذره‌بینی) در طول زندگی مشترک
این حالت منجر به نتایج زیر خواهد شد:

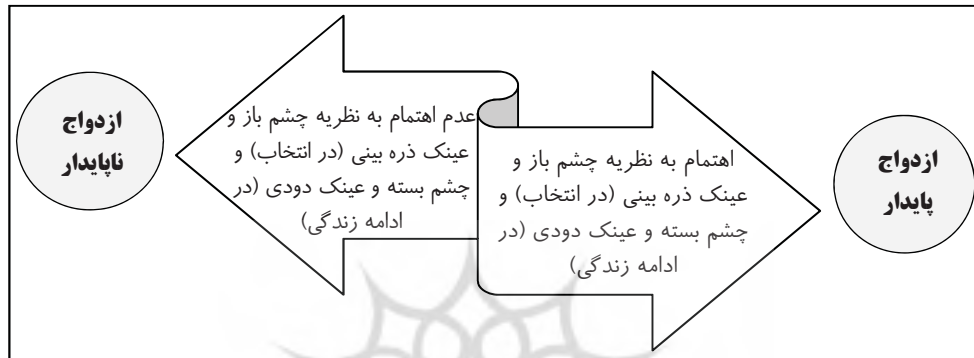
الف) احساس فریب‌خوردگی و ناکامی در مرحله انتخاب: نتیجه این فرایند، احساس عدم رضایت از انتخاب اولیه در ازدواج، سرخوردگی، درماندگی و گسست خواهد بود؛
ب) بررسی ذهنی و بازخوانی گزینه‌هایی که در مرحله انتخاب قابلیت بررسی داشته‌اند؛ اما به دلیل چشمان بسته بررسی نشدند.

۴. چشم بسته (عینک دودی) در مرحله انتخاب و استمرار چشم بسته (عینک دودی) در طول زندگی مشترک

این حالت منجر به نتایج زیر خواهد شد:

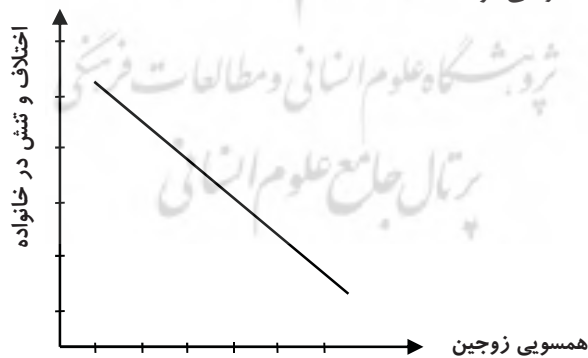
الف) سردی و بی‌روح بودن احتمالی روابط میان همسران؛

ب) انسان دگراهربر^۱ (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۲۷۷): این حالت معمولاً موجب دخالت اطرافیان، از جمله خانواده طرفین خواهد شد. در چنین مواردی معمولاً انتخاب همسر از سوی خانواده و اطرافیان رهبری می‌شود و ادامه زندگی نیز با دخالت آزاردهنده آنان همراه خواهد بود.



ب) همتایی زوجین در ازدواج

کفو بودن یا همتایی زوجین، یکی از موضوعاتی است که موجب تناسب و همسویی آنها می‌شود. در منابع دینی و غیردینی نیز بر این امر، اشارات فراوان شده است. از آنجا که میان همسویی زوجین و اختلاف و تنش در خانواده رابطه معکوس وجود دارد، به میزانی که همتایی زوجین با هم بیشتر باشد، زمینه‌های بروز اختلاف در خانواده کمتر می‌شود.



1. Other directed man

نتیجه طبیعی چنین شرایطی، افزایش آرامش و تقویت پایداری در خانواده می‌باشد. در منابع دینی، از همتایی زوجین با عنوان «کفویت» یاد شده است. حال سوال مهم این است که آیا این کفویت در امور شخصی است یا شخصیتی؟ به عبارت دیگر، منظور از کفویت، فیزیکی است، یا فکری و ایمانی؟ با مراجعه به اشارت‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، پاسخ به سوال یاد شده میسر خواهد شد. برای نمونه، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «أَنْكَحُوا الْأَكْفَاءَ وَانْكَحُوا مِنْهُمْ وَاخْتَارُوا لِطُفِكُمْ؛ زن و مردِ هم‌تا را به ازدواج یکدیگر درآوردید و با کفوها ازدواج کنید و برای نطفه‌های خود، جایگاه مناسب انتخاب کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳ / ۳۷۵) و مفهوم خاصی نیز از آن اراده می‌شود.

قرآن کریم نیز به این مسئله مهم اشاره داشته است: «الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ...» (نور / ۲۶) خداوند زنان پاک را به مردان پاک و زنان خبیث را به مردان خبیث (و بالعکس) اختصاص داده است. با دقت در آیه «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَنَّةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا وَاعْبَجِكُمْ...» (بقره / ۲۲۱) درمی‌یابیم که منظور از همتایی در آیه ۲۶ سوره نور، ایمان به خدا است و خداوند از امت اسلامی خواسته است تا از میان جاذبه‌ها و ظواهر بی‌پایه و نیز جاذبه ایمانی، دومی را برگزینند و با در نظر گرفتن شرط همتایی در ازدواج، به پایه‌ریزی جامعه‌ای بالیمان، پاک و سالم همت گمارند؛ زیرا ازدواج یک زن و مرد، مقدمه و زمینه ازدواج فکری و اخلاقی آن دو را فراهم می‌آورد و نتایج آن، در خانواده و نسل منعکس می‌شود؛ از سوی دیگر، تضاد فکری و عقیدتی آنان نیز می‌تواند در هر یک از آنها مؤثر افتد و طرف مقابل را به هر جهتی که خود مساعد می‌داند، بکشاند. (ر.ک: طالقانی، ۱۳۶۲: ۲ / ۱۳۱ - ۱۳۰)

این مسئله را می‌توان در سیره پیامبر گرامی اسلامی نیز ملاحظه نمود؛ گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پسر و دختری را که از لحاظ نژاد و سطح مالی در یک طبقه نبودند، به عقد یکدیگر در می‌آورد تا اهمیت معیارهایی نظیر: ایمان و اخلاق را نشان دهند. برای نمونه ایشان در این باره فرمودند: «أَنْكَحْتُ زَيْدَ بْنَ حَارِثَةَ زَيْنَبَ بِنْتَ جَحْشٍ، وَأَنْكَحْتُ الْمُقَدَّادَ ضِبَاعَةَ بِنْتَ الرَّبِيعِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، لِيَعْلَمُوا أَنَّ أَشْرَفَ الشَّرَفِ الْإِسْلَامُ؛ زینب را به عقد زید درآوردم و ضباعه را به عقد مقداد، تا اینکه بدانند شریف‌ترین شرف‌ها، اسلام است.» (طبرسی، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۵۲) ایشان در جایی دیگر، علت این کار را اصالت داشتن خوش خلقی و اهتمام به آن بیان فرمودند: «زَوَّجْتُ الْمُقَدَّادَ وَزَيْدًا لِيَكُونَ أَشْرَفَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَحْسَنَكُمْ خُلُقًا؛ عقد مقداد و زید را خواندم تا ثابت شود باشرف‌ترین شما نزد خدا خوش خلق‌ترین شماست.» (دارقطنی، ۱۴۰۶: ۳ / ۳۰۰) در

پی این اقدام پیامبر ﷺ گروهی از مردم از روی تعجب پرسیدند: آیا دختران مان را به ازدواج موالی (بردگانی که آزاد شدند) درآوریم، که در پاسخ به آنان، آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَىٰكُمْ» (حجرات / ۱۳) نازل شد. (بیهقی، ۱۴۱۱: ۷ / ۱۳۶)

حال پرسش این است: آیا ایمان، به‌تنهایی می‌تواند خلأ ناهمسانی فرهنگی، اقتصادی، تحصیلی و... زوجین را پُر کند؟ در پاسخ باید گفت: اصالت داشتن همسانی ایمانی، به معنای طرد یا ناهمسانی در دیگر زمینه‌ها نیست و اسلام با تأکید بر ملاک‌های دیگر مانند شایستگی، اصالت خانوادگی و ویژگی‌های ظاهری، الگوی جامعی را برای یک ازدواج پایدار و موفق ارائه کرده است. (ر.ک: ری شهری، ۱۳۸۷: ۶۸ - ۵۸) از سوی دیگر، هدف از ازدواج، ایجاد زمینه‌ای برای آرامش از طریق موذت و رحمت و مقابله با ضعف‌ها و تمرین استقامت برای نیل به صفات الهی است. هنگامی که زوجین چنین نگاهی به ازدواج داشته باشند، مسلماً تحول عظیمی در روابط آنان به وجود می‌آید و گاه عدم همسانی زوجین در سلیقه‌ها و عادت‌ها، به ناسازگاری و طلاق منجر نخواهد شد.

ج) صداقت

صداقت از جمله صفاتی است که از طریق تصدیق قول با فعل و تطابق گفتار با رفتار و فراهم آوردن زمینه اعتماد طرفین نسبت به هم، موجب تحکیم و ارتقای روابط می‌شود. بی‌شک وجود اعتماد متقابل، از ضرورت‌های زندگی مشترک و تأسیس بنیان خانواده است؛ برای مثال، قرآن کریم یکی از اوصاف مردان و زنان نمونه و شایسته را «صداقت و راستگویی» معرفی کرده و در توصیف آنان فرموده است: «وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». (احزاب / ۳۵) خداوند اوج چنین صفتی را برای بانوی شایسته‌ای همچون مریم علیها السلام نیز بیان نموده و او را در آیه «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ» (مائده / ۷۵) به صفت راستگویی فراگیر ستوده است. صدیق و صدیقه کسی است که تحت هیچ شرایطی، بین سخن و فعلش فاصله نمی‌افتد و همواره رفتارش، سخنگوی بی‌زبانِ گفتارش است و سرمایه پایدار آرامش و اعتماد را برای هر شنونده، بیننده و یا هریک از زوجین در خانواده به ارمغان می‌آورد. در غیر این صورت، هنگامی که یکی از زوجین به هر دلیلی به صداقت دیگری بدبین شود، زمینه اختلاف و سوءظن در خانواده فراهم می‌شود. صداقت و سوءظن، دو روی یک سکه‌اند؛ هرگاه صداقت و اعتماد خدشه‌دار شود، موجی از سوءظن در فرد ایجاد می‌شود و نباید فراموش کرد که هر چیزی که زمینه سوءظن زوجین را فراهم آورد،

درواقع حیات مسالمت‌آمیز آنها را دچار مخاطره کرده است. سوءظن، توافق و تفاهم ابتدایی و حتی ریشه‌دار طرفین را از بین می‌برد و امکان دارد زمینه ابراز نفرت و در نتیجه چالش‌های روزافزون و حتی طلاق را فراهم کند. حُسن ظن به یکدیگر، نخستین خشت بنای صلح و صفای اجتماع است و در تثبیت خانواده و زندگی مشترک نیز نقش اساسی دارد. قرآن کریم در آیه «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا» (نور / ۱۲) مؤمنان را از سوءظن برحذر داشته است و علاوه بر توبیخ شایعه‌سازان، از زنان و مردان مؤمن می‌خواهد که به هم گمان نیک داشته باشند و اتهامی را بدون اینکه ثابت شود، پخش نکنند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۳۰) به همین دلیل، مؤمن هیچ‌گاه خود را در معرض چنین رفتار ناپسندی قرار نمی‌دهد؛ از این رو برای رهایی از این رفتار نسنجیده، روابط، رفتار و گفتار زوجین در خانواده باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌های سوءظن و بدگمانی در طرف مقابل ایجاد نشود. هرگاه یکی از آنها احساس کند همسرش اموری را از او پنهان می‌کند، علاوه بر اینکه خود را امین و مورد اعتماد همسرش و شریک زندگی او نمی‌بیند، احساس حقارت و بی‌اهمیتی به او دست می‌دهد؛ حال آنکه در خانواده موفق، هر کدام از زوجین آنقدر به دیگری علاقه دارد که تمام مسائلی را با او در میان می‌گذارد؛ به ویژه مسائلی که مستقیم یا غیرمستقیم، به زندگی مشترک آنها مربوط می‌شود.

د) مهریه سبک و آسان

درباره ازدواج، علاوه بر واژه «مهر»، از واژگان دیگری همچون صدق و نحلّه (نساء / ۴) و اجر و فریضه (نساء / ۲۴) استفاده می‌شود. نحلّه در لغت، عطیه تبرّعی و بدون عوض را می‌گویند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷۹۵) شواهد روایی مؤید این نکته هستند که مهریه سبک، سازگاری همسران را تقویت می‌کند و مهریه سنگین به‌ویژه مهریه تحمیلی و خارج از حد توان مرد، می‌تواند در پیدایش تصاویر نادرست میان همسران و در نتیجه ایجاد تنش و سلب آرامش از آنان مؤثر باشد. استاد مطهری با توجه به آیه چهارم سوره نساء می‌نویسد:

مرد چیزی را به عنوان «صدق» قرار دهد؛ یعنی اینکه مرد باید چیزی به زن نثار کند تا زن در مقابل آن «آری» بگوید. مرد باید به او هدیه ببخشد. قرآن نیز صدق را به عنوان «نحلّه»، یعنی یک تعارف بیان می‌کند. قرآن می‌گوید: این نحلّه و هدیه است...؛ تعبیر دیگر قرآن «صدق» است؛ یعنی چیزی به علامت اینکه علاقه من راستین است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۶ / ۴۵۳)

قابل توجه اینکه در لابه‌لای قوانین درون‌دینی درباره ازدواج، مهر، مهر و مهر در کنار هم دیده شده‌اند. بدین معنا که مهر و صدق، زمانی مهر تأیید می‌خورد که همراه با مهر و رأفت و رعایت حال

شوهر و متناسب با دارایی وی، نه از روی احساسات و تمایلات تحمیلی باشد. با این حال، متأسفانه امروزه بنا به دلایل اجتماعی و فرهنگی، مقدار مهریه رو به فزونی گذاشته است. در بیان علل جامعه‌شناختی این امر می‌توان گفت:

نسیه بودن مهریه، غلبه روحیات اقتصادی و نگرش‌های محاسباتی، عدم استیفای کامل حقوق زن، طلاق و کنترل تمایلات نوجوانانه مرد، ارتقای منزلت اجتماعی زن، بالا رفتن هزینه‌ها و تشریفات ازدواج و شیوع ازدواج‌های برون فامیلی در فزونی مهریه مؤثر است. (ر.ک: شرف‌الدین، ۱۳۸۰: ۶۸ - ۸۰)

بنا به شواهد عینی، افزایش مهریه در دهه‌های اخیر، نه تنها موجب افزایش سازگاری در خانواده‌ها نشده، زمینه‌های نفرت و خصومت مردان و خانواده‌هایشان را فراهم آورده است و هرگونه گفتگو درباره کم و کیف و چگونگی دادوستد این مبالغ گاه نجومی، موجب نزاع، دل‌سردی و دلزدگی زوجین شده و یکی از علت‌های جدی زمینه‌ساز طلاق بوده است. رسول خدا می‌فرماید: «تَيَاسَرُوا فِي الصَّدَاقِ، فَإِنَّ الرَّجُلَ لِيُعْطِيَ الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكُ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً؛ مهریه را آسان بگیرید؛ زیرا مرد می‌پردازد؛ اما در دل او کینه‌ای باقی خواهد ماند». (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۳۲۴)

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مهریه نشانه‌ای از طرف مرد، مبنی بر صداقت در علاقه به زن است. آنچه زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد، این است که مهر و کابین تحت‌تأثیر عناوینی - از جمله: رقابت، دادوستد، گروگان‌گیری، پرستیز و ضامن‌پایداری ازدواج - قرار گیرد که با تبیین صحیح آیات ۴ و ۲۴ سوره مبارکه نساء سازگاری ندارد. برخی زنان به دلیل چشم و هم‌چشمی و رقابت با دیگران، مهریه سنگین را بر شوهران‌شان تحمیل می‌کنند؛ از آنجا که معمولاً در زندگی‌های موفق، مهریه از سوی زن مطالبه نمی‌شود، مرد درباره پذیرش مهریه‌های بالا، احساس نگرانی نمی‌کند؛ اما اگر این زنان، پیرو رقابت با دیگران، به تعیین مهریه‌های سنگین اکتفا نکنند و درخواست برگزاری جشن ازدواج تجملاتی و پُرخرج و به دنبال آن، زندگی تشریفاتی و منزل و اتومبیل خارج از حد توان مالی مرد را داشته باشند، به‌سرعت زمینه اختلاف و ناسازگاری در خانواده فراهم می‌شود؛ درحالی‌که مهریه سبک، اثری کاملاً متفاوت دارد. درواقع وقتی زنی به مقدار مهریه کم رضایت می‌دهد، بنای زندگی را بر سادگی و قناعت گذاشته است و نه تنها شوهرش در خرید چیزیه در تنگنا قرار نمی‌گیرد، در ادامه زندگی نیز با قناعت و سادگی و پرهیز از توقعات مالی بیش از حد توان مرد، فضایی پُر از آرامش و آسودگی خاطر را فراهم آورده، راه‌های ایجاد ایثار و صمیمیت را در خانواده هموار می‌سازد.

مسئله دیگری که برخی درمورد مطالبه مهریه بالا از طرف زن مطرح کرده‌اند، آن است که مهریه بالا، مانع طلاق و فروپاشی خانواده است. در ردّ این نظر باید گفت: در صورتی که زن و شوهر به این

نتیجه برسند که تناسب لازم میان آنان وجود ندارد و بخواهند با خوبی و سازگاری، زندگی را پایان بخشند، باید بتوانند مسالمت‌آمیز عمل کنند؛ همان‌گونه که قرآن کریم توصیه کرده و فرموده است: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ؛ طلاق (رجعی) دو مرتبه واقع می‌شود که یا باید پس از آن، همسر خود را به طور شایسته نگه دارید، یا به‌نیکی او را رها سازید»؛ (بقره / ۲۲۹) اما مهر سنگین در چنین جایی که طلاق ضرورت پیدا می‌کند، مانع تحقق آن می‌شود و خانواده را با وجود به‌هم‌ریختگی درونی، همچون مجسمه‌ای سر پا نگه می‌دارد و دشمنی را میان همسران حاکم می‌سازد. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۵۳) به همین دلیل امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تُغَالُوا بِمُهورِ النِّسَاءِ، فَتَكُونَ عَدَاوَةً؛ مهریه را سنگین نگیرید؛ چراکه دشمنی پدید می‌آید». (طبرسی، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۰۶)

گاه در زندگی زناشویی که به بن‌بست رسیده است، مرد آنقدر همسرش را می‌آزارد تا با گذشتن از مهریه خود، زندگی را رها سازد که این برخلاف آموزه‌های دینی است؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

... وَمَنْ أَضَرَ بِالْمَرْأَةِ حَتَّى تَفْتَدِيَ مِنْهُ (مهر)، لَمْ يَرْضِ اللَّهُ (عنه) بِعُقُوبَتِهِ دُونَ النَّارِ، لِإِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِلْمَرْأَةِ كَمَا يَغْضِبُ لِلْيَتِيمِ. (نوری، ۱۴۰۷: ۱۵ / ۳۸۰)

خداوند از مردی که همسرش را می‌آزارد تا از مهر خود بگذرد، همان‌قدر خشمگین می‌شود که از گریه یتیم به خشم می‌آید.

بنابراین به صراحت می‌توان گفت:

مهریه سنگین، تضمین مناسبی برای یک ازدواج پایدار و زندگی آرام و سعادت‌مند نیست و خوشبختی و دوام زندگی زناشویی را رقم نمی‌زند.

در روایات اسلامی، بسیار بر اهمیت و فوائد مهریه سهل‌الوصول و سبک تأکید شده است. دو روایت ذیل، شاهی بر این مدعا است:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصَبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلُهُنَّ مَهْرًا؛ با فضیلت‌ترین زنان امت من، آنهایی هستند که خوش‌چهره و سبک‌مهر هستند». (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ق: ۳ / ۹۰) یکی از شاخص‌ها و ویژگی‌هایی که موجب کشش و جذب زوجین به یکدیگر می‌شود، زیبایی است؛ از این رو زیبا بودن زوجین، سطحی از فضیلت و کمال برای آنان شمرده می‌شود. در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله سبک‌مهری را در کنار زیبایی چهره، شاخص برتری معرفی می‌نماید.

۲. برخی از روایات بر برکت و خوش‌یمنی زنان سبک‌مهر تأکید می‌کنند و مهریه‌های سنگین را موجب شوم بودن و بی‌برکتی زندگی معرفی می‌نمایند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ يَمَنِ الْمَرْأَةُ تَيْسِيرُ نِكَاحِهَا؛ از برکت زن این است که ازدواج او آسان انجام شود» (نوری، ۱۴۰۷: ۱۴ / ۲۱۶) یا اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ صِدْقًا؛ با برکت‌ترین زنان، کم‌مهرترین آنهاست» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۵) یا در حدیثی دیگر، میمنت و خجسته بودن زن را کم‌هزینه بودن او دانسته است و می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ يَمَنِ الْمَرْأَةُ تَيْسِيرُ خَطْبَتِهَا، وَتَيْسِيرُ صِدْقِهَا وَتَيْسِيرُ رَجْعِهَا؛ از میمنت زن آن است که خواستگاری و مهریه و زایمانش آسان باشد». (ابن حنبل، ۱۴۱۴: ۹ / ۳۵۵)

بنابراین کم یا زیاد بودن مهر، ربطی به تنقیص یا تکریم زن ندارد؛ اما در متون دینی ما مهر اندک، یک ارزش و موجب برکت و آرامش در زندگی زوج تلقی شده است؛ همان‌طور که بسیاری از خانواده‌ها با درآمد کم، زندگی خوبی را تجربه کرده‌اند و در مقابل، خانواده‌های پُردرآمدی که در عین برخورداری از رفاه و امکانات، احساس کمبود و خلأ داشته‌اند. در واقع، از نگاه روایات فوق، جدای از کیفیت و درآمد، برکت در مال اهمیت دارد؛ چه بسا مال اندکی که به دلیل پُربرکتی، ارزش فراوان پیدا می‌کند. از سوی دیگر، بی‌برکتی تنها مربوط به مسائل مادی نیست؛ بلکه جنبه دیگری از زندگی، مسائل روانی و روحی و رزق معنوی است؛ بنابراین بر اساس روایات یاد شده، مهریه و ازدواج آسان، زمینه‌های جلب رحمت و برکت خدا در زندگی زوجین را فراهم آورده، موجب تقویت کانون آرامش و صمیمیت در خانه می‌شود. امام صادق علیه السلام ضمن معرفی نیازهای انسان در حوزه فردی و جمعی، به طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آنها پرداخته، می‌فرماید: «خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِضَ الْعَيْشِ، زَائِلُ الْعَقْلِ، مَشْغُولُ الْقَلْبِ؛ فَأَوْلُهَا: صِحَّةُ الْبَدَنِ، وَالثَّانِيَّةُ: الْأَمْنُ، وَالثَّلَاثَةُ: الْكَسْبُ فِي الرِّزْقِ، وَالرَّابِعَةُ: الْأَنْبِيَسُ الْمَوَافِقِ، قَلْتُ: وَمَا الْأَنْبِيَسُ الْمَوَافِقِ؟ قَالَ: الزُّوْجَةُ الصَّالِحَةُ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ، وَالْجَلِيسُ الصَّالِحُ، وَالخَامِسَةُ، وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ؛ الدَّعَاةُ؛ پنج عامل است که اگر هر کدام از آنها نباشد، انسان دائماً گرفتار خواهد بود و فکر و روح متعادلی نخواهد داشت: ۱. سلامتی، ۲. امنیت، ۳. درآمد مناسب، ۴. ارتباطات با محبت و هماهنگ (راوی می‌پرسد: منظور ارتباط با چه کسانی است؟ حضرت پاسخ می‌دهد: زن، فرزند، دوست و همکاری که اهل خیر و درستی باشند)، ۵. آرامش روحی؛ اگر این پنج‌گانه حاصل شود، بقیه عوامل نیز فراهم می‌شوند». (حرعاملی، ۱۹۹۱: ۲۰ / ۵۱) براساس این فرموده امام، اگر برکات الهی متوجه جنبه روحی و روانی زندگی انسان شود، انسان از فکر و روحی متعادل بهره‌مند می‌شود و حتی لازمه تأمین سلامتی، امنیت و درآمد مالی انسان هم، برخورداری از آرامش روحی است.

نکته مهم اینکه، طبق احادیث یاد شده، میان کم‌هزینه بودن زن - اعم از مهریه و ازدواج و زایمان و... - و کارآمدی نهاد خانواده، پیوندی عمیق برقرار است. نکاتی که از میان این دسته از احادیث استخراج می‌شود، آن است که:

اولاً: یکی از کارکردهای ازدواج، ایجاد کانون آرامش برای اعضای خانواده است.
ثانیاً: زنان سبک‌مهر، موجب جلب برکات الهی در زندگی انسان می‌شوند. (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۵)

ثالثاً: در میان نیازهای مختلف انسان، آرامش روحی از همه مهم‌تر است و اگر آرامش روحی فراهم شود، بقیه نیازها نیز فراهم می‌شوند. (حرعاملی، همان)

بنابراین مهریه سبک، آرامش، برکت و ازدواج پایدار را رقم خواهد زد.

۳. امام صادق علیه السلام مهریه زیاد را در نافرمانی زن در برابر شوهر مؤثر می‌داند: ایشان می‌فرماید:

الشُّومُ فِي ثَلَاثَةٍ... فَأَمَّا شَوْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَعُقُوقُ زَوْجِهَا. (ابن بابویه قمی، بی تا: ۳ / ۵۵۶)

شومی در سه چیز است...؛ اما شومی زن در سنگینی مهریه و نافرمانی در برابر شوهرش است.

۴. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، مهریه هدیه‌ای از جانب مرد، برای اثبات صداقت و علاقه به زن است؛ حس معشوق و محبوب بودن، زن را فراگرفته، او را در حاله‌ای از امنیت روانی قرار می‌دهد. وی احساس می‌کند مرد به او علاقه‌مند است و علاقه خود را در میدان عمل نیز نشان داده و حاضر است هزینه آن را بپردازد. بنابراین مهریه، نتایج روانی ویژه‌ای را بر روح زن بر جای می‌گذارد. این احساس دوستی و محبت، از جنس همان محبت و مودتی است که خداوند آن را وعده داده است و با جاری شدن صیغه محرمیت، در قلب زوجین ایجاد می‌شود. (روم / ۲۱) پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «لَا تُغَالُوا بِمُهْرِ النِّسَاءِ، فَإِنَّمَا هِيَ سُقْيَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ مهر زنان را سنگین نگیرید؛ چراکه همانا مهر آنان، نوعی نوشیدنی گوارای الهی است». (نوری، ۱۴۰۷: ۱۵ / ۶۷) طبق این نگاه، یکی از کارکردهای ویژه مهریه، آن است که در قالب هدیه‌ای از سوی خداوند، جریان رحمت و مودت را در زندگی زوجین جاری می‌سازد؛ اما این آسودگی روانی، تنها در صورتی ایجاد می‌شود که مهریه سبک باشد؛ چراکه سنگینی آن، موجی از تهدید و فشار روانی را بر مرد وارد می‌سازد و ممکن است خانواده پسر را نسبت به زن بدبین کند و از همان اول، کانون آرامش و امنیت روحی را با اختلال همراه سازد.

ه) انتخاب رضایت‌محور و نظارت‌مدار

بدون تردید، نخستین شرط تشکیل خانواده پایدار، آزادی دختر و پسر در انتخاب همسر در زیر سایه

نظارت خانواده‌ها است؛ چراکه تحمیل ازدواج، موجب پیروی ظاهری زوجین از یکدیگر می‌شود و انتخاب از روی تحمیل، انتخابی خودخواسته و عمیق نمی‌باشد؛ از این رو کوچک‌ترین مشکلات پیش‌روی این انتخاب، با افزایش حساسیت‌ها و سنگینی فشار روانی می‌تواند موجی از سردی و یأس را به زوجین وارد سازد. خداوند در آیه: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم / ۲۱) راز پایداری ارتباط نیکوی زوجین در یک خانواده موفق را مودت و رحمت بیان فرموده است؛ بی‌شک این امر مهم، تنها در سایه انتخاب احسن و آزاد امکان‌پذیر است و به‌نوعی تعدیل‌کننده بسیاری از آسیب‌های عاطفی، اجتماعی و اخلاقی خواهد بود. از سوی دیگر، واژه «مَوَدَّة» در این آیه، تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد؛ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۲۵۰) از این رو در ازدواج‌های تحمیلی - در اثر تحمیل از طرف خانواده، جامعه و عرف غیرعقلانی و بی‌ضابطه - به دلیل نارضایتی میان زوجین، احتمال بروز تنش و ناسازگاری بسیار بالا خواهد بود (بستان، ۱۳۹۰: ۱۷۷) و اثری از محبت و علاقه دیده نمی‌شود.

در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز نخستین شرط تشکیل خانواده پایداری، آزادی دختر و پسر در انتخاب همسر و تحمیل نکردن پیوند زناشویی بر آنان است. امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «تُسْتَأْمَرُ الْبِكْرُ وَغَيْرُهَا وَلَا تُكْرَهُ إِلَّا بِأَمْرِهَا؛ در امر مهم ازدواج، از دختر باکره و غیر آن، نظرخواهی شود و جز به امر و رضایت آنان ازدواجی صورت نگیرد». (حرعاملی، ۱۹۹۱: ۲۰ / ۲۷۱) امام کاظم علیه‌السلام نیز در پاسخ به صفوان که از ازدواج دخترش با پسر برادرش پرسیده بود، فرمود: «إِفْعَلْ وَيَكُونُ ذَلِكَ بِرِضَاهَا. فَإِنَّ لَهَا فِي نَفْسِهَا نَصِيبًا (حَظًّا)؛ با رضایت دخترت انجام بده؛ زیرا او نسبت به خودش اختیاری دارد». (همان: ۲۰ / ۲۸۴)

با این حال، در سیره مسلمانان و در بین اعراب و ایرانیان مسلمان، بسیاری از ازدواج‌ها که با انتخاب خانواده - نه زوج جوان - شکل گرفته، در ظاهر پایدارتر بوده است. حال پرسش این است که اگر تحمیل ازدواج، به ناسازگاری و نارضایتی زوجین و تزلزل پیوند خانوادگی منجر می‌شود، چرا ازدواج‌هایی که در سده‌های گذشته و نه چندان دور، با تحمیل خانواده‌ها، در کشورمان شکل گرفته، به فروپاشی و جدایی نینجامیده است؟ در پاسخ باید گفت: «ساختار خاص جوامع سنتی، به گونه‌ای بوده که با انواع ازدواج‌های اجباری همخوانی داشته و گاه حتی به عنوان امر به هنجار، آنها را تقویت می‌کرده است». (بهنام و راسخ، ۱۳۴۸: ۱۲۶ - ۱۲۴) این در حالی است که در فرهنگ کنونی کشور، جوانان میل به استقلال و پیروی از معیارهای فردی دارند و با تحمیل ازدواج به آنها، احتمال بروز تنش و تباہ نمودن زندگی کسانی که گاه هیچ شناختی از یکدیگر ندارند، وجود دارد.

البته امروزه «ازدواج نوین» یا همان ازدواج‌های آزاد، ممکن است در قالب تحمیل مُد و پیروی افراطی از ظواهر زیبا و نیازهای جنسی محض و بدون توجه به کفویت و همتایی درونی، اعم از همتایی روحی، رفتاری و اعتقادی پدید آید که پس از ازدواج، ارتباطات متزلزل و شکننده همسران، به سرعت رو به سردی و حتی جدایی می‌انجامد. چنین تحمیل‌هایی که مبتنی بر ناپختگی زوج جوان است، بسیار ویرانگرتر از تحمیل‌های سنتی والدین خواهد بود.

(و) مشارکت‌پذیری

از مسائل مهمی که برای تأمین سعادت و تحکیم خانواده ضروری است، همکاری و مشارکت زن و شوهر است. هر انسان مجردی حتی در کنار خانواده خویش دارای «خود» ویژه‌ای است و این نگاه از طرف خانواده هم درباره او وجود دارد. اتفاقاً این نگاه از درون و بیرون به انسان مجرد، زمینه‌ای ذهنی برای ازدواج را فراهم می‌کند؛ اما نکته اینجاست که از وقتی او اقدام به ازدواج می‌نماید، دارای «خود جمعی» می‌شود و پس از ازدواج کلمه «ما»، جانشین «من» می‌گردد. استاد مطهری، ازدواج را اولین قدمی می‌داند که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی برمی‌دارد؛ زیرا تا قبل از ازدواج، فقط یک «من» وجود داشت و همه چیز برای «من» بود؛ اولین مرحله‌ای که این حصار در آن شکسته می‌شود و موجود دیگری هم در کنار این «من» قرار می‌گیرد و برای او معنا پیدا می‌کند، زحمت می‌کشد و خدمت می‌کند، در ازدواج است. (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۶۶)

باری، خداوند در آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»، (بقره / ۲۲۸) به مسئولیت دوجانبه زن و شوهر در برابر یکدیگر اشاره داشته، می‌فرماید: «برای مردان، حقوقی بر عهده زنان گذارده شده، همچنین زنان حقوقی بر مردان دارند که آنها موظف هستند به خوبی رعایت نمایند و مردان را بر آنان برتری است و خداوند توانا و حکیم است». با توجه به اختلاف دامنه‌داری که بین نیروی جسمی و روحی زن و مرد وجود دارد، مدیریت خانواده بر عهده مرد و معاونت آن بر عهده زن گذاشته شده است و این تفاوت، مانع از آن نخواهد بود که از نظر مقامات معنوی و دانش و تقوا، گروهی از زنان از بسیاری از مردان پیشرفته‌تر باشند.

واژه «مَعْرُوف» در این آیه، به معنای هر عملی است که افکار عمومی، آن را عملی شناخته شده بداند و بدان مانوس باشد و با ذائقه‌ای که اهل هر اجتماع، آن را از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد، سازگار باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۴۸) این واژه که به معنای کار نیک و معقول و منطقی نیز به کار رفته است، هشداری به زنان و مردان است که هرگز از حق خود سوءاستفاده نکنند؛ بلکه با احترام به

حقوق متقابل یکدیگر و اشتراک مساعی، در تحکیم پیوند زناشویی و جلب رضای الهی بکوشند؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۵۷) زیرا ذات خانواده و زندگی مشترک، به معنای سهیم شدن در سرنوشت دیگری است که با منیت و خودخواهی در تعارض است؛ چراکه همکاری زوجین و مشارکت در مسئولیت‌ها، عامل مهمی در تحکیم خانواده است و عدم رعایت آن، به شدت پایه‌های زندگی خانوادگی را سست و متزلزل می‌کند؛ تا آنجا که پیامبر ﷺ درباره یاری رساندن زن به شوهرش فرمودند: «أَيُّمَا امْرَأَةً خَدَمْتَ زَوْجَهَا سَبَعَةَ أَيَّامٍ أَغْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا أَبْوَابَ النِّيرَانِ. وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، تَدْخُلُ مِنْ أَيُّهَا شَاءَتْ؛ هر زنی که شوهرش را هفت روز یاری دهد، خداوند هفت در دوزخ را به روی او می‌بندد و هفت در بهشت را به رویش می‌گشاید تا از دری که می‌خواهد، وارد شود». (احسانی، ۱۴۰۳: ۱ / ۲۷۰) در حدیثی قابل تأمل فرمود: «يا علي، لا يَحْدِمُ الْعِيَالُ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ، أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ یا علی! به خانواده خود خدمت نمی‌کند، مگر انسان راستگو یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد». (شعیری سبزواری، ۱۴۱۴: ۲۷۶)

ذکر این نکته نیز بایسته است که هر انسانی تا قبل از ازدواج، «من‌گریز» است و به دنبال «ما شدن» می‌باشد؛ اما پس از ازدواج، مطلوب حاصل می‌شود؛ چراکه برای بقای «ما»، باید «من‌ستیز» شد و جهت رسیدن به موفقیت‌های بیشتر، باید به تمایلات طرف مقابل ارج گذاشت. البته در برخی از موارد، رفاه روحی و معنوی باید با رفاه مادی پشتیبانی گردد و با یکی شدن دو «من»، تکامل حاصل شود. با این حال به نظر می‌رسد فرایند یادشده، تفسیر عملی و عینی آیه: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» باشد.



نتیجه

از نگاه اسلام، هدف از ازدواج، ایجاد زمینه‌ای برای تأمین نیازهای غریزی زوجین و مقابله با ضعف‌ها و تمرین استقامت برای نیل به صفات الهی و کسب آرامش است. اگر زوجین، به آموزه‌های دین ایمان داشته، در پی کسب رضایت خداوند و بندگی او باشند، خداوند نیز رابطه آنها را به بهترین شیوه سامان خواهد داد. بی‌شک در این میان، یکی از عوامل مؤثر و کارآمد در پایداری خانواده و نیز بهره‌مندی از یک زندگی موفق، توجه عملی به دستورهای دین و اهتمام به پیاده‌سازی آن در زندگی است. دقت در برخی از آیات قرآن کریم و به دنبال آن روایات معصومین علیهم‌السلام ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که

عواملی همچون «کفو و همتایی در ازدواج، صداقت و شفاف‌سازی، مطالعه و تحقیق در انتخاب همسر (تثوری چشم باز و عینک ذره‌بینی)، انتخاب رضایت‌محور و نظارت‌مدار، مهریه سبک و مشارکت‌پذیری زوجین (تغییر از من به ما)» نقش مهمی در پایداری نظام خانواده و نیز استحکام پیوند زناشویی ایفا می‌کنند. البته در شرایط بروز لغزش‌ها و خطاها، پاک‌کن عفو و گذشت از طرف مقابل، اهرم بسیار مؤثری برای عبور از بحران است و زمینه را برای تأمین پویایی، نشاط و طراوت روابط خانوادگی فراهم می‌آورد.

علل ناپایداری خانواده (خانه واداده)



راهکارهای تربیتی پایداری خانواده



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقابخش، علی، ۱۳۷۵، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چ ۲.
۳. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، بی تا، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، مسند احمد، تحقیق عبدالله محمد الدرویش، بیروت، دارالفکر.
۵. احسانی، محمد ابن علی (ابن ابی‌الجمهور)، ۱۴۰۳ ق، عوالی اللئالی، قم، مطبعة سیدالشهدا.
۶. بستان، حسین، ۱۳۹۰، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بهنام، جمشید و راسخ، شاپور، ۱۳۴۸، مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران، تهران، خوارزمی.
۸. بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۱۱ ق، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، چ ۱.
۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۹۹۱ م، وسائل الشیعة، تحقیق عبدالرحیم ربّانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. حسین‌زاده، علی، ۱۳۸۸، همسران سازگار و راهکارهای سازگاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. دارقطنی، علی بن عمر البغدادی (الدار القطنی)، ۱۴۰۶ ق، سنن الدار القطنی، تحقیق ابوالطیب محمدآبادی، بیروت، عالم الکتب، چ ۴.
۱۳. راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم، بیروت، دارالشامیة.
۱۴. ری شهری، محمد، ۱۳۸۷، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۱۵. شرف‌الدین، حسین، ۱۳۸۰، تبیین جامعه‌شناختی مهریه در نظام حقوقی خانواده در اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. شعیری سبزواری، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، جامع الأخبار أو معارج الیقین فی اصول الدین، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
۱۷. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴.

۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *مکارم الأخلاق*، تحقیق علاء آل جعفر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. فیض کاشانی، محسن، ۱۳۸۳ ق، *المحجة البيضاء*، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۲.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب الرازی، ۱۴۰۱ ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر الغفاری، بیروت، دارصعب و دار التعارف، چ ۴.
۲۲. ماسن، پاول هنری، ۱۳۶۸، *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، نشر پایا.
۲۳. متقی هندی، حسام‌الدین، ۱۴۰۹ ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چ ۲، ج ۱۰۳.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۱، *پندهای امام صادق علیه السلام به رهجویان صادق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. _____، ۱۳۷۸، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱۹.
۲۸. _____، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، ج ۲۶.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۱.
۳۰. موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۲۱ ق، *تحریر الوسيلة*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۱. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۷ ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ